

● هانا آرنت

Hannah Arendt

● به خاطر عشق به دنیا

For Love of the World

● الیزابت یانگ-برول

Elizabeth Young-Bruehl

● انتشارات دانشگاه ییل، ۱۹۸۲، 2004 London, Yale University Press, New Haven and

۳۹۱

اگر فرصت نداشتید که کتاب‌ها و مقاله‌های هانا آرنت، یکی از بزرگترین اندیشمندان معاصر در زمینه فلسفه سیاسی و یکی از مبارزان و قهرمانان آزادی و آزادی را بخوانید و اگر به مقوله‌هایی نظیر اهمیت آزادی فکر، اندیشه و بیان و همین‌طور ریشه‌های استبداد، تفسیری نو از شر مطلق در قرن بیستم یا شرایطی که در آن شر نهادینه می‌شود و در اثر بی‌فکری ما انسان‌ها قبح آن می‌ریزد و به امری روزمره و مبتذل بدل می‌شود علاقه دارید، این کتاب را بخوانید.

یانگ برول، که اکنون استاد دانشگاه کلمبیا در نیویورک است، پایان‌نامه دکترایش را در مدرسه جدید پژوهش‌های اجتماعی<sup>۲</sup> زیر نظر هانا آرنت گذراند و مدت‌ها در محضر وی تلمذ کرد و پس از مرگ آرنت و در دوره‌ای که دانشیار دانشگاه وزلیان<sup>۳</sup> بود اقدام به نوشتن نخستین زندگینامه آرنت کرد. یانگ برول علاوه بر کتاب‌ها و مقالات آرنت که به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و انگلیسی چاپ شده بودند، تمام نامه‌های وی به همان زبان‌ها - به استثنای نامه‌های هایدگر که

۱- در سال ۲۰۰۴ ویراست جدیدی از این کتاب منتشر شد.

مطالعه‌شان در آن تاریخ مجاز نبود - همه دستنوشته‌ها و مطالبی را که خود آرنت جمع‌آوری کرده و به کتابخانه کنگره آمریکا و به آرشیوهای ادبی آلمان در شهر مارباخ<sup>۱</sup> هدیه کرده بود، مطالعه کرد، با بستگان و دوستان خانم آرنت مصاحبه‌هایی طولانی کرد، به بررسی موشکافانه محیط‌ها و شرایط بسیار متفاوتی پرداخت که خانم آرنت تجربه کرده بود، تا زمینه پرورش فکر وی و فرایند زایش نظریه‌هایش را بشناسد و بشناساند. ولی همان طوری که خود نویسنده می‌گوید این کتاب نوعی "شرح زندگانی فلسفی" است که بیشتر به افکار، نگرش، نظریه‌ها و برداشت‌های فلسفی و تجزیه و تحلیل‌های سیاسی آرنت می‌پردازد تا به وقایع و حوادث معمولی، زمینه خ نوادگی، تحصیلات اولیه و عالی وی در آلمان و پیوندها و گسست‌ها و تلاطم‌هایی که به صورتی اجتناب‌ناپذیر جزیی از زندگی فراریان یهودی تبار است که از دست نازیها آواره سرزمین‌هایی دیگر شده‌اند و همین طور شرح تلاش‌های بی‌وقفه آرنت برای تحقق آرمان‌هایش و برای استقرار آنچه "حق" می‌دانست، شده است.

یانگ برول در دو بخش نخست کتاب تمام این اطلاعات زمینه‌ای را درباره آرنت به دست می‌دهد تا بستر زایش اندیشه‌ها و جهان‌بینی وی را که در بقیه کتاب به آن می‌پردازد به خواننده بشناساند و برای اولین بار با فعالیت‌های گسترده و خستگی‌ناپذیر وی در دوران اقامت اجباریش در پاریس در اواخر دهه ۳۰ میلادی و پس از فرارش از زندان نازیها در آلمان آشنا می‌شویم، فعالیت‌هایی که به منظور نجات یهودیان و رفاه آنان صورت گرفت. همچنین در می‌یابیم که علی‌رغم یهودی بودن - که بود و عمیقاً آن را احساس می‌کرد - علی‌رغم همدردی با هم‌کیشان‌ش، علی‌رغم تلاش وقفه‌ناپذیرش برای گسیل آن‌ها به فلسطین و علی‌رغم فعالیت مستمرش در سازمان‌ها و تشکل‌های مختلف یهودی، هانا آرنت یک صهیونیست به معنای متداول نبود و به نهضت صهیونیسم و به مدیریت و سازماندهی "شوراهای یهودیان"<sup>۲</sup> انتقاداتی اساسی داشت. این صداقت و استقلال فکری و نظرات آرنت

1- Marbach

۲- (Jewish Councils) Jundernate، تشکل‌هایی برای اسکان یهودیان که نیروهای اشغالگر نازی به هنگام جنگ جهانی دوم در کشورهای لهستان و اروپای شرقی به وجود آورده بودند و خاخام‌ها و بزرگان با نفوذ یهودی خط‌مشی این تشکل‌ها را به دستور آلمانی‌ها تعیین می‌کردند.

# Hannah Arendt

## For Love of the World

---

*Elisabeth Young-Bruehl*



در مورد "ابتدال شر"<sup>۱</sup> که در کتابش دربارهٔ آیشمن<sup>۲</sup> آمده است وی را در جوامع صهیونیستی آن چنان نامحسوب ساخت که او را یک "مطرود" قلمداد کردند و طرفه این که خود آرنت باور داشت که مردم واقعی (Wirkliche Menschen) تا حدی مطرودند و اعتقاد راسخ داشت که "ناهمسازی جزئی جدایی ناپذیر از دستاوردهای اندیشمندان است."

این کتاب یک مدح‌نامه نیست و شباهتی به سیرهٔ انبیا هم ندارد؛ کتابی است که با نهایت بی‌طرفی علمی نگاشته شده است و به اشتباهات، لغزش‌ها و سوبرداشت‌های آرنت و همچنین تجزیه تحلیل زندگی و نوشته‌های او می‌پردازد و بالاخره توجه خواننده را به اندیشه‌های ناب و نظریه‌های بدیع او جلب می‌کند. پروفسور یانگ برول مرتکب اشتباه کوچکی در ویراست اول این کتاب (۱۹۸۲) می‌شود و سهواً اظهار می‌دارد که آرنت در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ به گروه تروریستی "جامعهٔ دفاع از یهودیان"<sup>۳</sup> کمک مالی کرده بود در صورتی که این کمک در واقع به سازمان انسان‌دوستانه‌ای به نام "سازمان استمداد یهودیان متحد"<sup>۴</sup> شده بود. ادوارد سعید در یکی از نوشته‌هایش به این نوشتهٔ خانم یانگ برول استناد کرده بود، هر چند خودش در حیرت بود که با شناختی که از خانم آرنت داشت چگونه چنین چیزی ممکن بود. متأسفانه تلاش بعدی پروفسور یانگ برول برای تصحیح این اشتباه و اقرار به این که گناه ارتکاب این اشتباه را به گردن می‌گیرد در حیات سعید به جایی نرسید.

زبان کتاب در حدی که کار انتقال مفاهیم اجازه می‌دهد ساده و روان است و

### 1- Banality of Evil

۲- آدولف آیشمن افسر اس. اس. و مسئول جمع‌آوری و انتقال میلیون‌ها یهودی از سراسر اروپای تحت اشغال نازیها به اردوگاه‌های مرگ بود و در سال ۱۹۶۰ اسرائیلی‌ها او را بازداشت و برای محاکمه به اورشلیم بردند. در گزارشی که آرنت از مراسم دادگاه آیشمن برای مجله نیویورکر (New Yorker) نوشت و بعدها به صورت کتابی به نام آیشمن و اورشلیم به چاپ رساند، به جای آن که او را تجسم "شر مطلق" (Radical Evil) بپندارد، وی را بوروکراتی معمولی قلمداد کرد که بدون چون و چرا و بدون فکر وظایف محوله را دقیقاً اجرا می‌کرده و بنابراین تجسم عینی "ابتدال شر" به شمار می‌آید.

### 3- Jewish Defence League

### 4- United Jewish Appeal

نویسنده از مغلق‌گویی می‌پرهیزد. کتاب شامل چهار بخش، ملحقات، یادداشت‌ها و کتابنامه آرنت است. بخش نخست به دوران کودکی آرنت تا زمان اخذ دکترایش می‌پردازد بخش دوم به دوران سرگردانی و نداشتن تابعیت، فرار از دست نازیها، اقامت موقت (۶ ساله) در پاریس، مهاجرت به امریکا و سرآغاز فعالیت‌های فکری و آغاز اشتهار آرنت اختصاص دارد. بخش چهارم و پنجم به دوران تثبیت آرنت به عنوان اندیشمندی طراز اول و جهانی و به فعالیت‌های ذهنی و دانشگاهی وی می‌پردازد. چکیده‌ی تز دکترای، نامه‌ها و همچنین برخی از سروده‌های آرنت به زبان آلمانی در بخش ملحقات آمده است.

همان‌گونه که در بالا اشاره کردیم و خود پروفیسور یانگ برول هم در مقدمه این کتاب به صراحت اعلام می‌دارد قسمت اساسی کتاب به تبیین افکار و نظریه‌های آرنت اختصاص دارد که فرازهایی از آن در زیر می‌آید:

\* اساسی‌ترین حق، حق داشتن حق است. حق وابستگی به یک تنواره سیاسی است، به جامعه‌ای که از حقوق و آزادی‌های فردی صیانت و آن‌ها را حفظ می‌کند، چه از دست دادن جامعه سیاسی باعث می‌شود که انسان از انسانیت دور بیفتد.

\* اما از طرف دیگر آرنت در پژوهش‌ها و بررسی‌هایش به یکی از اساسی‌ترین مسائل روز دنیا پی می‌برد و به تناقض نه چندان آشکار ولی بالقوه مخرب بین حکومت و ملت اشاره می‌کند، یعنی تناقض بین حقوق شهروندان و حاکمیت دولت‌ها.

\* آرنت در تمام طول زندگانی خود مخالف نظریه‌های ناگزیری و التزام تاریخی بود و بنابراین در مقابل مارکس و هگل ایستاده بود و هر تفسیر و تأویل تاریخی را، چه به صراحت و چه به صورت تلویحی، که به الزامات تاریخی توسل می‌جست، بلای جان علم سیاست می‌دانست و آزادی را علت وجودی علم سیاست به شمار می‌آورد.

\* آرنت بر این باور بود و مانند که اگر افراد جامعه به تعهدات و مسئولیت‌های سیاسی‌شان پایبند باشند می‌توانند از وقوع رخدادهای سیاسی مصیبت‌بار

جلوگیری کنند و اینجا است که بخشی از مسئولیت نسل‌کشی یهودیان به دست نازی‌ها را متوجه خود یهودیان می‌دانست که اگر غفلت نکرده بودند و اگر دچار توهم نشده بودند و اگر زودتر دریافته بودند که آنچه در پیش است با امواج معمولی یهودستیزی که در اروپا رواج داشت فرق می‌کند، می‌توانستند از وقوع این فجایع جلوگیری کنند.

کتاب "ریشه‌های استبداد" آرنست به حق یکی از اثرگذارترین آثار قرن بیستم در زمینه فلسفه سیاسی و بی‌شک مهم‌ترین کتاب او و حاوی هشدار و ابراز امیدواری برای آیندگان است. با نقل قولی از این کتاب این نوشته را به پایان می‌بریم "..... کماکان این واقعیت باقی است که بحران‌های دوران ما و تجربه‌های محوری آن باعث روی کار آمدن حکومت‌های جدیدی شده است که علی‌رغم خطر بالقوه و همیشگی شان [در تعارض بودن با آزادی‌ها و حقوق فردی] از این پس با ما خواهند بود. اما این حقیقت نیز وجود دارد که هر "پایانی" در تاریخ نقطه آغازی را در بر دارد. این آغاز نوید و تنها پیامی است که آن پایان می‌تواند بیافریند. هر آغاز، پیش از آن که به واقعه‌ای تاریخی بدل شود، متعالی‌ترین توانمندی بشر است. آوگوستین قدیس می‌گوید: "آدمی برای آن آفریده شد که آغازی باشد." تولد هر انسانی ضامن این آغاز است؛ در حقیقت هر انسانی این آغاز است.

۳۹۶

در ابتدای این نوشتار گفتم که "اگر فرصت نداشتید..." اکنون اضافه می‌کنم که اگر این زندگینامه را خواندید تصور می‌کنم فرصت آن را خلق می‌کنید که دست کم کتاب‌های مهم آرنست را بخوانید.